

بسیست نقل قول مرتبط با «صرف» یا «صرفاً»

Mere, Merely

رهبران صرف - «جهان دیگر نمی‌تواند به دیپلمات‌ها، سیاستمداران و رهبران تجاری صرف سپرده شود. بدون شک، آنها تمام تلاش خود را کرده‌اند. اما این عصر قهرمانان روحانی است - زمانی برای اینکه مردان و زنان در ایمان، شخصیت روحانی و قدرت قهرمان باشند.»

آرزوی محض - «کلمات عیسی در متی ۲۹:۱۱-۳۰ جایگزینی برای ویرانی زندگی جدا از خدا ارائه می‌دهند. با این حال، کاملاً صادقانه، اکثر مسیحیان احتمالاً هم سخن عیسی و هم تکرار آن توسط نویسنده اول یوحنا ۳:۵ را بیشتر به عنوان بیان امید یا حتی آرزوی محض می‌دانند تا بیانی درباره جوهر زندگی‌شان. برای بسیاری، سخنان عیسی صریحاً گیج‌کننده است.»

آرمان صرف - «بسیاری از مسیحیان حتی نمی‌توانند باور کنند که او واقعاً قصد داشته ما آنها را اجرا کنیم. نتیجه چیست؟ آموزه‌های او صرفاً به عنوان یک آرمان در نظر گرفته می‌شوند، آرمانی که می‌توانیم با تلاش برای رسیدن به آن خودمان را بهبود بخشیم، اما می‌دانیم که قطعاً به طور آشکاری از آن فاصله خواهیم گرفت.»

رضایت ذهنی صرف - «اکثر محافظه‌کاران تا اوایل دهه هفتاد به طور کلی پذیرفته بودند که مسیحی بودن اساساً هیچ ربطی به پیروی واقعی یا شبیه عیسی بودن ندارد. به راحتی پذیرفته شد که اکثر مسیحیان واقعاً از او پیروی نمی‌کردند و واقعاً شبیه او نبودند. 'مسیحیان کامل نیستند، فقط بخشیده شده‌اند' به یک برچسب محبوب روی سپر ماشین تبدیل شد. تنها شرط مطلق برای مسیحی بودن این بود که فرد باورهای صحیح در مورد عیسی را داشته باشد. مبارزه عقیدتی قرون بسیار، ایمان نجات‌بخش را به صرف موافقت ذهنی با آموزه‌های صحیح تبدیل کرده بود.»

صرف خواست - «همه ما درباره 'فیض ارزان' شنیده‌ایم. اما 'فیض ارزان' به عنوان یک مفهوم صرفاً از خواست ما به داشتن رحمت و بخشش خدا با قیمت‌های بسیار ارزان ناشی نمی‌شد. من معتقدم که سوءتفاهم در مورد جایگاه انضباط‌های روحانی در زندگی، مسئول پذیرش 'فیض ارزان' به عنوان شیوه غالب وجودی اخیر پروتستانیسم بوده است.»

بخشش صرف - «مفهومی که ایده مسیحی نجات را به صرف بخشش گناهان محدود کرده است. با این حال، این مفهوم خیلی گسترده تر از آن است. نجات آن‌طور که امروزه تصور می‌شود، بسیار دور از آن چیزی است که در ابتدای مسیحیت بود و تنها با اصلاح آن می‌توان فیض خدا را در نجات به وجود ملموس و تجسم یافته شخصیت‌های انسانی ما که با عیسی در یوغ راحت او گام برمی‌دارند، بازگرداند.»

بخشش صرف (ادامه) «دیدگاه 'عملی' با دیدگاهی دیگر جایگزین شد. سپس به تدریج درک کلیسا از نجات به **صرف** بخششی که منجر به بهشت در آن سوی این زندگی می‌شود، محدود شد. و مرگ مسیح به عنوان تنها وسیله‌ای برای بخشش در نظر گرفته شد، نه به عنوان نقطه‌ای که زندگی او به طور کامل‌تر و پیروزمانده‌تر دیده می‌شود و قدرت گناه را بر وجود ملموس انسان برای همیشه شکست می‌دهد.»

صرفاً ایستادن - چگونه این چیز پست و خطرناک [بدن] می‌تواند در تحقق رستگاری ما مفید باشد؟ پاسخ البته این است که اگر آنرا **صرفاً** همان چیزی در نظر بگیریم که در این دنیای در تقابل با خدا می‌یابیم، نمی‌تواند. قطعاً به تنهایی منابع رستگاری را در خود ندارد. اما باز هم باید اصرار کنم که این برای آنچه در جدایی‌اش از خدا می‌بینیم، ساخته نشده بود. بدن انسان برای این ساخته شده است که وسیله شخصیت انسانی باشد و بر زمین برای خدا و با قدرت او حکومت کند.

حکومت صرف - «حکومت توسط یک شخص، چه بر دیگران باشد چه بر حیوانات، در بهترین حالت خود زمانی است که نتیجه آن هماهنگی، درک و محبت باشد، و در بهترین حالت، افراد تحت حکومت آن 'حکومت' را **صرفاً** بعنوان انجام کاری که در هر صورت می‌خواستند انجام دهند، تجربه می‌کنند.»

ابزارهای صرف - «توان شگفت‌انگیز انسان برای استفاده از آنچه فراتر از خودمان است، یکی از سرخ‌های اصلی برای اینکه ما کیستیم و چه هستیم، می‌باشد. ما قدرت‌های خود را بر زمین و ساکنان آن تا حدی گسترش می‌دهیم که هم هول‌انگیز و هم وحشتناک است، و نوید می‌دهد که رنج تاریخ بشر را التیام بخشد یا سیاره را به طور کامل نابود کند. هرچه قدرت بیشتری به دست آوریم، قدرت بیشتری می‌توانیم به دست آوریم - چه برای خوب و چه برای بد. ما نه تنها «ابزارهایی» برای گسترش قدرت و زندگی خود می‌سازیم، بلکه در روابطی زندگی می‌کنیم که تأثیری بسیار گسترده و فراگیر بر خودمان و کیهان دارند و بسیار فراتر از مقوله ابزار **صرف** هستند. این روابط وارد جوهر زندگی ما می‌شوند. آنها قدرتمندترین روابط و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ما هستند - هنری، تجاری، علمی و نظامی - و آنها کسانی هستند که در مراحل اصلی جامعه و تاریخ بشر در عمل دیده می‌شوند.»

فلسفه صرف - «برای ما بسیار مهم است که درک کنیم آنچه در اینجا مورد بحث قرار می‌دهیم، **صرفاً** موضوع گمانه‌زنی‌های فلسفی ظریف یا نظریه روان‌شناختی نیست. این عمیقاً بر مسیحیت در عمل و تأثیرات آن بر دیگران تأثیر می‌گذارد.»

صرف جسم - «اکنون زمان آن رسیده است که از جسم دفاع کنیم. 'جسم' در کاربرد کتاب مقدس به ندرت به معنای ماده فیزیکی **صرفی** است که اجزای بدن را تشکیل می‌دهد. این اصطلاح گاهی به عنوان معادل 'گوشت' استفاده می‌شود. اما در کتاب مقدس از جسم به طور کلی به عنوان چیزی فعال، یک قدرت خاص یا مجموعه‌ای از قدرت‌ها که در بدنی از نوعی خاص تجسم یافته و قادر یا احتمالاً قادر به انجام تنها انواع خاصی از کارها است، یاد می‌شود.»

- بدنی که به ما دستور داده شده است که آن را 'دور بیندازیم' نمی‌تواند صرفاً بدن طبیعی وجود گوشتی ما باشد، زیرا ما نمی‌توانیم آن را دور بیندازیم - مگر با خودکشی. تا آنجا که ما می‌توانیم بگوییم، اولین انسان‌ها قبل از گناه کردن جسم گوشتی داشتند، بنابراین جسم با طبیعت انسانی سقوط کرده یکی نیست.»

صرف نگرش یا ترتیب - "عصر ما در درک این نکته ناتوان است که تعالیم پولس درباره نجات ناگزیر روان‌شناختی هستند، اما به همین دلیل بهای الهیاتی کمتری به آنها می‌دهد. این امر درخشان‌ترین و عمیق‌ترین عبارات او - رومیان ۸-۶، کولسیان ۳-۲، غلاطیان ۵، ۳، ۲ - را به باتلاقی از گمانه‌زنی‌های الهیاتی یا به موعظه‌هایی مبهم و الهام‌بخش بدون قدرت راهنمایی عملی تبدیل کرده است. در نتیجه مجبور می‌شویم افکار و تجربیات پولس را در قالب ایده‌های انتزاعی الهیاتی، صرفاً در مورد نگرش خدا نسبت به ما یا در مورد برخی ترتیبات که خدا در آسمان انجام داده است، دریافت کنیم.»

صرفاً مکانیکی - «وضعیت زندگی در خدا که ما به دنبال آن هستیم نباید به عنوان یک نتیجه صرفاً مکانیکی در نظر گرفته شود. این یک تصور غلط رایج است که آمادگی دقیق و کامل، مانع آزادی، خودانگیختگی و تعامل شخصی می‌شود. در واقع، کسی که برای هر موقعیتی بهترین آمادگی را دارد، کسی است که بیشترین آزادی و خودانگیختگی را در آن تجربه می‌کند. زندگی روحانی، تعاملی با شخص خداست و تصور اینکه می‌توان آن را با بی‌دقتی انجام داد، توهمی محض است. خواست انجام اراده او، تنها زمانی می‌تواند به واقعیت تبدیل شود که ما اقداماتی را برای آمادگی و توانایی بودن در ملاقات و بهره‌گیری از او در اعمالمان انجام دهیم.»

صرفاً انتزاعی (خیر) - «این «آمادگی» مرگبار برای انجام شرارت در تمام اشکال آن از فردی به فرد دیگر متفاوت است، اما در تقریباً همه بسیار بالاست. این صرفاً یک امکان انتزاعی نیست، بلکه یک گرایش واقعی است که به طور مداوم در حال کار است.»

زندگی‌های صرفاً آبرومند - «ستمگران، نیروهای شیطانی و اعمال سرکوبگر این جهان بر زندگی‌های صرفاً آبرومند ما تأثیر می‌گذارند، همانطور که یک نوازنده ماهر بر ساز خود تسلط دارد اما بدون آن کاملاً ناتوان است.»

شعر صرف (نه) - «اما در قضاوت تحریف‌شده ما درباره ماهیت زندگی، سعی کرده‌ایم خوشابحال‌ها را به شعر محض تبدیل کنیم، به جای اینکه آن‌ها را به عنوان اعلامیه‌های واقع‌بینانه درباره چگونگی امور در نظر بگیریم.»

صرفاً شهادت می‌دهد - "من معتقدم که حکومت آینده خدا باید حکومتی باشد مبتنی بر فیض و حقیقت که از طریق شخصیت‌های بالغ در مسیح ممکن می‌شود. این کار با زور نخواهد بود، بلکه با قدرت حقیقتی که با عشق فراوان ارائه می‌شود. ناتوانی ما در تصور آن جز با زور، صرفاً گواهی بر وسواس ما نسبت به ابزارهای انسانی برای کنترل دیگران است.

پیشرفت صرف من - "اما هم طبیعت انسان و هم سوابق کتاب مقدس به من نشان می‌دهند که حکومت آینده خدا، که ساختارهای قدرت دنیای کنونی را جابجا خواهد کرد، با هیچ پیشرفت صرفاً تدریجی ای از نوع بشر به طور کلی نخواهد آمد. ورود دوباره متمایز شخص مسیح به تاریخ جهان برای تکمیل جهان ضروری است.

رویای من - «تا زمانی که تعداد کافی از مردم به درستی به شخصیت و قدرت مسیح مجهز نشده باشند، در چیزی شبیه توزیع افراد موسی در سراسر جامعه، که به طور مشترک و تحت نظر خدا به طور مداوم اطمینان حاصل می‌کنند که خوبی تأمین شده و درستی در کار است، عدالت نمی‌تواند پیروز شود. آیا این امکان‌پذیر است؟ باور ندارم که این صرفاً یک رویا یا یک توهم ناامیدانه است، وقتی بفهمیم چگونه انضباطها از یک سو با فیض و از سوی دیگر با شخصیت انسانی تجسم یافته در هم می‌آمیزند.
